

## «مانیفست جامعه‌ی LGBTQ+ ایران»

### مقدمه

قتل حکومتی ژینا امینی، دخترگرد، توسط نیروهای سرکوب گشت ارشاد و بابت قانون تبعیض آمیز حجاب اجباری در فضایی که عموم مردم بابت سرکوب‌های سیاسی و اجتماعی و شرایط وخیم اقتصادی به ستوه آمده بودند، چنان تأثیر برانگیز بود که موجب خیزش سراسری مردم در داخل و خارج از ایران علیه رژیم توتالیتر و فاشیستی جمهوری اسلامی شده است؛ رژیمی که یکی از بنیان‌های آن آپارتاید جنسی و جنسیتی است. تداوم پی‌سابقه‌ی این خیزش، به طرق مدنی اعتراض و اعتصاب، همبستگی عمومی مردم از جنسیت‌ها، هویت‌های جنسی و جنسیتی، طبقات، اتنیک‌ها و اقشار متعدد و همگرایی حول یک هدف مشترک که آن هدف، دگرگونی رژیم و جایگزینی آن با حاکمیتی مردمی و دموکراتیک است، سه ویژگی چشم‌گیری بوده که این خیزش را از مجموعه اعتراضاتی معمولی مبدل به جنبشی انقلابی کرده است.

جرقه‌ی همه‌گیر شدن این خیزش، بر سر مطالبه‌ی حقوق بشری علیه یک قانون تبعیض آمیز جنسیتی شکل گرفته و تمامیت را هدف قرار داده است؛ چرا که در رژیمی استبدادی با چهارچوب قوانینی غیرقابل تغییر که یکی از مبانی آن آپارتاید جنسی و جنسیتی است، اصلاحات از معنی تهی شده و اهمیت انقلاب هویدا می‌شود و در اینجا نیز این انقلاب، انقلابی فمنیستی است.

دامنه‌ی تغییرات حاصل از این انقلاب گسترده بوده و پتانسیل این را دارد که تمامی ابعاد سیاسی و اجتماعی را در بر بگیرد، همانگونه که شعار اصلی این انقلاب، یعنی «ژن، ژیان، نازادی» در همراهی با شعارهایی چون «کوئیر، ترنس، رهایی» بار معنایی بزرگی حول ایجاد تغییر در روابط قدرت و به تبع آن حصول رهایی عموم زنان و جامعه‌ی LGBTQ+ و در نتیجه رهایی تمام جامعه را در بر دارد. بنابراین، بدون شک در این بین یکی از موارد نیازمند تغییر، وضعیت جامعه‌ی LGBTQ+ است.

پرداختن به وضعیت اعضای این جامعه، در بازه‌ی زمانی کنونی به سه دلیل اهمیت شایان توجه دارد؛ اولاً انقلاب فمنیستی، که اهداف آن شامل سرنگونی رژیم آپارتاید جنسی و جنسیتی و تداوم مبارزه‌ی مستمر با مردسالاری است، بدون مبارزه با تمام ابعاد سیس-سکسیزم، هتروسکسیزم، مونوسکسیزم، اندوسکسیزم و آلوسکسیزم که برآیند و در عین حال تغذیه‌کننده‌ی مردسالاری است، به ثمر نخواهد نشست، دوما حضور و همبستگی با اعضای این جامعه که به درازای عمر مردسالاری، تحت تبعیض‌ها و خشونت‌های نظام‌مند بوده‌اند و در طی بالغ بر چهل سال حکمرانی رژیم جمهوری اسلامی نیز جزو اقشاری بوده‌اند که بیشترین تبعیض‌ها و خشونت‌ها علیه آن‌ها اعمال شده، از اصول و وظایف مهم اخلاقی و انسانی و موثر برای انقلاب و آزادی کلیت جامعه است و سوماً، همبستگی میسر نخواهد شد مگر آنکه شامل عموم مردم و همراه با به رسمیت شناختن متقابل تفاوت‌ها و مطالبات باشد، در غیر این صورت ما نه همبستگی بلکه هژمونی اکثریت تحت لوای اتحاد را خواهیم داشت که مقدمه‌ی ظهور دیکتاتوری دیگری را فراهم می‌سازد.

باتوجه به نکات گفته شده، ما، جمعی از اعضاء و کنشگران جامعه‌ی LGBTQ+ ایران و افغانستان و کنشگران کوئیر فمنیست و ترنس\* فمنیست، این مانیفست را در خطاب به کلیت جامعه و اپوزیسیون حال حاضر ایران به رشته‌ی تحریر درآوردیم تا ضمن معرفی جامعه‌ی خود، مطالباتمان را نیز بیان کنیم.

### هدف این مانیفست و جایگاه آن

همانگونه که در مقدمه به شکل خلاصه مورد اشاره قرار گرفت، هدف از این مانیفست، معرفی جامعه‌ی LGBTQ+ ایران و افغانستان و متعاقباً بیان صریح مطالبات مدنظر جمعی از کنشگران و اعضای این جامعه است.

منظور از معرفی این جامعه در این مانیفست معرفی هویت‌های جنسی و جنسیتی نیست، چرا که تا به همین امروز بارها در بسترهای گوناگون شرح داده شده و از این پس این وظیفه‌ی فرد فرادست است که برای شناخت پیشگام شده و به جست و جو و مطالعه بپردازد؛ منظور از معرفی در این مانیفست، بیان تبعیض‌ها و خشونت‌های نظام‌مند اعمال شده و در عین حال مقاومت متقابل و مستمر اعضای این جامعه در برابر این تبعیض‌ها و خشونت‌ها است، به ویژه که در طی سالیان متمادی این مقاومت چنان با اعضای این جامعه عجین شده که مبدل به بخشی از هویت جمعی و فردی آن‌ها شده است.

بدیهی است که همه‌ی اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ به یک میزان تحت تبعیض نیستند، زیرا در شرایطی با وجود تبعیض جنسیتی، تبعیض‌های اتنیک، تبعیض و خشونت ویژه علیه بهائیان، و سایر تبعیض‌های مذهبی علیه یارسان‌ها، اقلیت‌های دینی و مذهبی و

نوکیشان مذهبی، تبعیض‌های ناشی از معلولیت ستیزی، شکاف و تبعیض طبقاتی و تبعیض‌های متعدد علیه پناهنجویان و پناهندگان (چه پناهنجویان و پناهندگان افغانستانی ساکن ایران و چه پناهنجویان و پناهندگان ایرانی و افغانستانی در کشورهای دیگر) تبعیض‌ها بر روی اعضای این جامعه نیز ممکن است به سبب موارد متعدد و هویت‌های متقاطع، مضاعف شود؛ بنابراین، طی این مانیفست اگر چه در شرح تبعیض‌ها صرفاً بر روی موارد مبتنی بر ضدیت با جامعه‌ی LGBTQ+ و کوئیرفوبیا تمرکز شده، اما در بندهای مطالباتی سعی شده است تا مطالباتی مبتنی بر هویت‌های متقاطع و جهت پیشگیری از تبعیض‌های مضاعف بیان شود.

لازم به ذکر است که جامعه‌ی LGBTQ+ جامعه‌ای گسترده و متنوع با مطالبات متفاوت است و بر این اساس، این مانیفست نمایانگر تمامی اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ ایران و افغانستان نبوده و بیانگر تمامی مطالبات آن‌ها نیست و صرفاً حاصل مشارکت و توافق جمعی از اعضا و کنشگران این جامعه در داخل و خارج از ایران است. امید آنکه این مانیفست آغاز راهی برای حضور پویاتر و چشم‌گیرتر سایر اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ باشد و شاهد حضور افشاری از این جامعه باشیم که تا به امروز زیر لایه‌های متعدد تبعیض امکان برون‌آبی و حضور به مراتب کمتری داشته‌اند؛ اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ دارای معلولیت، اعضای این جامعه‌ی از اقلیت‌های مذهبی (به ویژه بهائیان) و اتنیک و یا ساکن در شهرهایی چون آبدانان، یاسوج، خرم‌آباد، ابوشهر، سراوان، بیرجند، گنبد کاووس، ساری، پیرانشهر و سایر شهرها، مناطق و روستاهای محروم، کارگران و به ویژه کارگران جنسی این جامعه، افراد ترنس\* و نان‌باینری که علاوه بر اینکه بابت بیان جنسیتی خود مورد حملات و خشونت‌های نظام‌مند قرار می‌گیرند، مواجه‌ای مداوم با جریان فکری خشونت آمیز و تبعیض آمیز ترف (که در بستر سیس- سکسیزم تا حدی طبیعی انگاری شده، که آسیب‌های آن حتی توجه عموم را جلب نمی‌کند) دارند و پناهنجویان و پناهندگان افغانستانی ساکن در ایران و پناهنجویان ساکن در ترکیه، ارمنستان و اقلیم کردستان عراق.

### معرفی: ما که هستیم؟

ما، جمعی از کنشگران کوئیر فمینیست، ترنس\* فمینیست، اعضا و کنشگران جامعه‌ی LGBTQ+ هستیم؛ جامعه‌ای متشکل از افراد لزبین، گی، بای، ترنس\* و نان‌باینری، اینترسکس، Ace / Aro کوئیر، پَن‌سکشوال و سایر افرادی که جنس، جنسیت، هویت جنسی و جنسیتی آن‌ها به ترتیب در چهارچوب هنجارهای رایج اندوسکس، سیس‌جندر و هترو/آلو محور نمی‌گنجد.

اعضای این جامعه به درازای تاریخ بابت هویت جنسی، جنسیت، بیان و هویت جنسیتی خود تحت تبعیض و خشونت نظام‌مند متأخر از مردسالاری بوده‌اند و در طی تاریخ معاصر ایران، قوانین رژیم فاشیستی و توتالیتار جمهوری اسلامی نمود بارزی از کوئیرفوبیا و ضدیت تمام عیار با جامعه‌ی LGBTQ+ است؛ احکام غیرانسانی شلاق و اعدام برای روابط جنسی غیرسیس-هترو، انجام روش‌های متعدد تبدیل‌درمانی در مراکز پزشکی و روانپزشکی (که مصداق کامل جنایت پزشکی است) با حمایت نهادهای مذهبی وابسته به رژیم، سلب استقلال و مالکیت افراد ترنس\* و نان‌باینری بر بدن‌های خودشان و ایزه‌سازی آن‌ها در طی قوانین به شدت ترنس‌مدیکالیستی و ترنس‌فوبیک / ترنس‌میسائزیک، محرومیت افراد ترنس\* و نان‌باینری از بازتائید جنسیت اجتماعی و تطبیق مدارک شناسایی، شرایط غیراستاندارد و تبعیض آمیز دسترسی به بازتائید جنسیت در مراکز خدمات بهداشت و درمان، عدم به رسمیت شناختن هویت و تجربه‌ی زیسته‌ی تحت ستم افراد نان‌باینری و هر فرد ترنس\* خارج از معیارهای ترنس‌مدیکالیستی پزشکی قانونی و اجرای قوانین حذف اجتماعی آن‌ها، ترویج پروپاگاندا برای تقویت ترنس‌فوبیا، ترنس‌میسائزی، انی‌فوبیا و در مجموع کوئیرفوبیا، انجام عمل‌های نادرست و غیرضروری بر روی افراد اینترسکس (به ویژه در دوران کودکی) و فقدان قوانین بازدارنده از این عمل‌ها، رفتارهای خشن و تبعیض آمیز در مراکز درمانی و آموزشی علیه اعضای این جامعه، فقدان قوانین بازدارنده در برابر خشونت‌های ناشی از کوئیرفوبیا و ضدیت با جامعه‌ی LGBTQ+ در کنار قوانین تسهیل‌کننده‌ی این سری از خشونت‌ها همچون قوانین مربوط به قتل و خشونت‌های ناموسی یا قوانین تسهیل‌کننده‌ی ازدواج اجباری، (مثل ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی که یکی از نتایج مخرب آن محرومیت کودکان از امکان درک، شناخت و هویت یابی خود است.) فقدان قوانین حفاظت از کودکان ترنس\* و نان‌باینری بدسرپرست و در عین حال تشویق به محروم‌سازی آن‌ها از فرآیند بازتائید جنسیت و اعمال خشونت توسط نهادهای مذهبی، ممانعت از هرگونه تشکل و گردهمایی افراد این جامعه و صدها مورد دیگر که نشان از وجود خشونت و تبعیض نظام‌مند علیه اعضای این جامعه دارد.

با این وجود، مقاومت در سخت‌ترین شرایط همچنان تداوم داشته است. انتشار نشریات متعددی با موضوعیت کوئیر، کوئیر فمینیستی و مسائل مربوط به جامعه‌ی LGBTQ+ که از سال ۱۳۶۷ هجری شمسی با مجله‌ی هومان (که حاصل همکاری جمعی از کنشگران این جامعه بود) آغاز شده و تا به همین امروز ادامه داشته و نقش مهمی در آموزش و بیان مطالبات اعضای این جامعه در شرایط سانسور و خفقان شدید داشته است. وبلاگ نویسی اعضای این جامعه و بیان خواست‌ها و تجربیات زیست تحت ستم‌شان و حرکت‌های اعتراضی فردی و جمعی در بستر وبلاگ نویسی، چون نامه‌ی اعتراضی جمعی به پرشین بلاگ در رابطه با بستن جمعی وبلاگ‌های اعضای این جامعه یا نامه‌ی اعتراضی شهرام شهزاد (وبلاگ نویس گی) به محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت. کارگاه‌های آموزشی متعدد جهت آموزش مسائل مرتبط با حقوق اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ و آموزش‌های مرتبط با سلامت روان و بهداشت جنسی و مباحث کوئیر فمینیستی. وبسایت‌ها و پادکست‌های مطالباتی و آموزشی. کمک‌های سازمانی و فردی به پناهنجویان ساکن ترکیه،

ارمنستان و اقلیم کردستان عراق. نامگذاری اولین جمعه‌ی هر مرداد ماه به عنوان روز افتخار جامعه‌ی LGBTQ+ ایران برای اعلام موجودیت در بطن جامعه. سلسله بیانیه‌های مطالباتی طی یکسال گذشته به کانون صنفی فرهنگیان، شورای صنفی پزشکان، اتحادیه‌ی آزاد کارگران و رسانه‌های خارج از ایران. در این خیزش سراسری اخیر نیز حضور آشکار اعضای این جامعه در داخل و خارج از کشور بسیار چشم‌گیر بوده است؛ در داخل کشور افراد با شعارنویسی، بلندکردن پرچم‌های جامعه‌ی ترنس\* و نان‌بایتری و جامعه‌ی LGBTQ+ و بوسه در ملاء عام موجی اعتراضی تحت عنوان «موج رنگین کمان» به صورت کاملاً خودجوش و مستقل از هر سازمانی ترتیب داده‌اند. در خارج از ایران هم حضور اعتراضی و سخنرانی‌های فردی و جمعی اعضای این جامعه و اجراگری‌های هنری و اعتراضی در خور توجه بوده است. شایان ذکر است که برنامه ریزی برای بسیاری از حضورها، سخنرانی‌ها و اجراهای اعتراضی اعضای این جامعه در خارج در همراهی با اعضای این جامعه در داخل ایران انجام شده است.

موارد ذکر شده، نمونه‌هایی از بیشمار کنشگری‌ها و در نهایت مقاومت از سوی این جامعه در برابر قوانین متحجرانه و تبعیض آمیز رژیم جمهوری اسلامی و تبعیض‌های نظام‌مند است.

فراتر از موارد گفته شده، این مقاومت در زندگی جاری است و به همین خاطر بخش عمده‌ای از این جامعه، همواره بخشی از مقاومت عمومی مردم در برابر استبداد و خودکامگی رژیم جمهوری اسلامی بوده‌اند؛ از همراهی با جنبش دانشجویی در اعتراضات سال ۱۳۸۸ هجری شمسی گرفته تا بیانیه‌های حمایتی از اعتراضات و اعتصابات صنفی، کارگری و حمایت‌های جمعی از زندانیان سیاسی - عقیدتی چون زینب جلالیان.

انتشار این مانیفست نیز می‌تواند تجدید میثاقی در راه مقاومت و مبارزات مستمر با بیان صریح مطالبات مدنظر جمعی از اعضا و کنشگران این جامعه باشد.

## مطالبات ما

### بند ۱. جرم‌زدایی از انواع روابط غیرسیس-هترو

حق ایجاد روابط عاطفی و جنسی افراد در بازه‌های سنی یکسان بدون ترس از مجازات‌های غیرانسانی و اثرات انگ انگاری‌های اجتماعی، باید از موازین اساسی حقوق بشری باشد؛ حتی که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی سلب شده و بنابر بندهای قانون مجازات اسلامی شامل احکامی غیرانسانی چون شلاق و قتل عمد حکومتی (اعدام) می‌شود.

### بند ۲. ممنوعیت انجام هرگونه روش تبدیل درمانی علیه تمام اعضای جامعه‌ی LGBTQ+

در نبود قوانین حمایتی و با حمایت نهادهای مذهبی تا به همین امروز انواع روش‌های غیرانسانی تبدیل درمانی به منظور تغییر هویت جنسی و جنسیتی اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ در حال انجام است. مسئله‌ای که اثرات مخرب فراوانی بر سلامت روان و جسم اعضای این جامعه می‌گذارد. تبدیل درمانی مصداق بارز شکنجه‌ی پزشکی است.

### بند ۳. به رسمیت شناختن جنسیت و هویت‌های جنسیتی افراد نان‌بایتری

افراد نان‌بایتری همواره بخشی از جوامع بشری بوده‌اند، منتهی در بازه‌ی زمانی اخیر متأثر از سلسله وقایعی هویت آن‌ها نادیده گرفته شده و به رسمیت شناخته نمی‌شود. عدم به رسمیت شناختن هویت فرد، شکلی از تبعیض نظام‌مند بوده و باید متوقف شود.

### بند ۴. امکان بازتأیید جنسیت اجتماعی و تطبیق مدارک شناسایی برای عموم

همانگونه که به رسمیت شناخته شدن جنسیت و هویت جنسیتی افراد سیس‌جندر مستقل از تأیید مراکز پزشکی قانونی و نهادهای قضایی است، جنسیت و هویت جنسیتی افراد ترنس\* و نان‌بایتری نیز باید بدون وابستگی به تأییدهای پزشکی و روانشناختی که مبتنی بر قوانین ترنس-مدیکالیستی‌اند و تأییدیه‌های قضایی به رسمیت شناخته شده و امکان بازتأیید جنسیت اجتماعی و تطبیق مدارک شناسایی برای عموم افراد وجود داشته باشد.

بند ۵. امکان دسترسی به هر بخش از خدمات پزشکی بازتأیید جنسیت برای عموم افراد بدون نیاز به پیش شرط‌هایی چون تأییدهای مراکز روانشناسی و قضایی

دسترسی به خدمات پزشکی مرتبط با بازتائید جنسیت باید در هر زمانی و برای عموم افراد فراهم باشد؛ افراد به خدمات مختلفی مرتبط با بازتائید جنسیت نیاز دارند و امکان دسترسی به خدمات مرتبط با بازتائید جنسیت و سلامت افراد ترنس\* و نان‌بایتری، حتی حیاتی است که موثر بر زندگی افراد است.

**بند ۶.** در دسترس بودن خدمات پزشکی مرتبط با بازتائید جنسیت برای افراد

از الزامات عملی کردن بند پنجم، دسترسی برابر عموم به خدمات مرتبط برای این وجه از بازتائید جنسیت است.

**بند ۷.** تحت پوشش بیمه قرار گرفتن خدمات پزشکی مرتبط با بازتائید جنسیت

تحت پوشش بیمه قرار گرفتن خدمات مرتبط با بازتائید جنسیت و سلامت اعضای این جامعه گامی موثر در ایجاد امکان دسترسی برابر به خدمات بازتائید جنسیت (اشاره شده در بند پنجم) برای عموم افراد است.

**بند ۸.** ممنوعیت انجام اجباری عمل‌های جراحی غیرضروری بر روی افراد اینترسکس

انواعی از عمل‌های جراحی بر روی افراد اینترسکس غیرضروری بوده و حتی انجام این دست از عمل‌ها تأثیرات مخرب زیادی بر سلامت روان و جسم افراد و به ویژه کودکان و نوجوانان اینترسکس می‌گذارد.

**بند ۹.** ممنوعیت انجام عقیم‌سازی اجباری افراد اینترسکس، ترنس\* و نان‌بایتری

عقیم‌سازی اجباری افراد اینترسکس، ترنس\* و نان‌بایتری (به ویژه زنان ترنس و افراد ترنس فم)، نمود ملموسی از سرکوب و اعمال خشونت علیه این افراد از طریق مجرای پزشکی است که باید متوقف شود.

**بند ۱۰.** امکان آموزش رایگان و همگانی حول مسائل مرتبط با هویت جنسی، جنسیت و هویت جنسیتی به زبان مادری افراد، زبان اشارانی و با استفاده از خط بریل

آموزش در رابطه با هویت جنسی، جنسیت، هویت جنسیتی مسئله‌ای الزامی برای شناخت عمومی جامعه نسبت به خود، پذیرش همگانی و کمکی الزامی به اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ است برای درک و هویت‌یابی خود است؛ بدیهی است که میسر شدن این بند در گرو حق افراد برای کسب اطلاعات و آموزش به زبان مادری خودشان است. به علاوه این حق باید برای افرادی که برای آموزش ملزم به زبان اشاره و برای خواندن ملزم به استفاده از خط بریل هستند نیز فراهم باشد.

**بند ۱۱.** وجود قوانین محافظتی از کودکان و نوجوانان جامعه‌ی LGBTQ+ در برابر خشونت خانگی

بسیاری از کودکان و نوجوانان این جامعه بابت کوئیرفوبیا و ضدیت والدین‌شان با جامعه‌ی LGBTQ+ تحت خشونت‌های متعددی در چهارچوب روابط خانوادگی قرار می‌گیرند که تأثیرات مخربی بر آن‌ها می‌گذارد. محافظت از کودکان در برابر خشونت وظیفه‌ای جمعی و نیازمند وجود و اجرای قوانین است.

**بند ۱۲.** امکان دسترسی به خدمات پزشکی مرتبط با بازتائید جنسیت متناسب با سن برای کودکان و نوجوانان ترنس\* و نان‌بایتری

تاکنون نتیجه‌ی تحقیقات بر روی بیش از سه هزار فرد ترنس\* و نان‌بایتری نشان داده که دسترسی به خدمات مرتبط با بازتائید جنسیت متناسب با سن، با سلامت روان ارتباط مستقیم دارد و در عین حال عدم دسترسی با مواردی چون افسردگی و به خطر افتادن سلامت روان ارتباط مستقیم دارد. در نتیجه، حق دسترسی به خدمات پزشکی متناسب با سن برای کودکان و نوجوانان ترنس\* و نان‌بایتری حتی مسلم بوده که با سلامت روان و کیفیت زندگی آن‌ها در ارتباط است.

**بند ۱۳.** وجود قوانین محافظتی از کودکان و نوجوانان جامعه‌ی LGBTQ+ در برابر خشونت، در مراکز آموزشی

از ملزومات آموزش همگانی، تأمین امنیت افراد در دسترسی به آموزش به دور از تبعیض می‌باشد، با این حال کودکان و نوجوانان جامعه‌ی LGBTQ+ همواره تحت خشونت‌های مداوم از جانب کادر محیط‌های آموزشی و سایر دانش آموزان بوده‌اند، پس ایجاد فضای امن و محافظت از آن‌ها در مراکز آموزشی، از ملزومات فراهم کردن آموزش همگانی به دور از تبعیض است.

**بند ۱۴.** قوانینی برای حفاظت و رفع تبعیض علیه زنان ترنس‌چندر، زنان و افراد سافیک، افراد اینترسکس، افراد نان‌باینری و مردان ترنس در مراجعه به متخصصین زنان و زایمان

در موارد گسترده‌ای این افراد به سبب فقدان دانش و نحوه‌ی برخورد متخصصین این حوزه، تحت خشونت و تبعیض قرار می‌گیرند، در حالیکه امکان دسترسی به خدمات بهداشت و درمانی مورد نیاز از ملزومات برابری و تکریم حقوق بشر است.

**بند ۱۵.** قوانینی برای حفاظت و رفع تبعیض علیه زنان ترنس، افراد نان‌باینری، مردان ترنس، افراد اینترسکس، افراد گی و در مجموع آکیلین در مراجعه به متخصصین اورولوژی

در موارد گسترده‌ای این افراد به سبب فقدان دانش و برخوردهای متخصصین این حوزه تحت خشونت و تبعیض قرار می‌گیرند، در حالی که امکان دسترسی به خدمات بهداشت و درمانی مورد نیاز از ملزومات برابری و تکریم حقوق بشر است.

**بند ۱۶.** قوانینی برای حفاظت و رفع تبعیض علیه افراد ترنس\* و نان‌باینری در مراجعه به متخصصین غدد درون ریز

امکان مراجعه به متخصصین غدد درون‌ریز برای افراد ترنس\* و نان‌باینری در جهت دریافت اقلام هورمون مورد نیاز، بخش مهمی از نیاز این افراد برای مراحل بازتأیید جنسیت‌شان است، با این وجود فرهنگ ترنس‌سفوب / ترنس‌میسازن حاکم (که با وجود قوانین نیز تقویت می‌شود) این حق حیاتی را از افراد ترنس\* و نان‌باینری گرفته است و باید برای رفع این تبعیض به صورت مداوم اقدامات موثر قانونی صورت گیرد.

**بند ۱۷.** قوانینی برای حفاظت از افراد جامعه‌ی LGBTQIA+ در برابر خشونت و تبعیض در مراکز خدمات درمانی و بهداشتی و ارائه‌ی خدمات مرتبط با سلامت اعضای این جامعه

به صورت کلی، مراکز بهداشت و درمان از جمله مراکزی هستند که در آن برخوردهای تبعیض آمیز علیه اعضای این جامعه بسیار ملموس است و به همین خاطر یکی از وجوه قابل بررسی درمورد سلامت اعضای جامعه‌ی LGBTQIA+ تبعیض‌ها و خشونت‌های اعمال شده علیه اعضای این جامعه در مراکز پزشکی است. ضمن وجود قوانینی برای محافظت از اعضای این جامعه در برابر خشونت و تبعیض در مراکز درمانی، باید دسترسی همگانی به خدمات درمانی مرتبط با سلامت اعضای این جامعه (از جمله دسترسی به خدمات روانشناسی، لوازم مربوط به بهداشت جنسی و پیشگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربتی) فراهم باشد.

**بند ۱۸.** قوانینی برای حفاظت از افراد جامعه‌ی LGBTQIA+ در سطح جامعه در برابر خشونت‌ها و تبعیض‌های مبتنی بر ضدیت با این جامعه

شکلی از خشونت که در برابر اعضای جامعه‌ی LGBTQIA+ اعمال می‌شود ناشی از تنفر و ضدیت ویژه با این جامعه است و به خصوص افراد ترنس\* و نان‌باینری و افرادی که بیان جنسیتی خارج از معیار سیس‌چندر محور و استریت محور جامعه دارند و زوج‌های این جامعه بیشتر در معرض این سری از خشونت‌ها هستند. آزادی باید برای عموم باشد، نه برای عده‌ای محدود و برای محقق شدن آزادی الزامی است تا از افراد آسیب‌پذیر در برابر خشونت‌های ریشه‌دار محافظت شود.

لازم به ذکر است که میسجندر کردن افراد و استفاده از ددنیام افراد نیز اشکال واضحی از خشونت‌ها هستند که باید از افراد در برابر این نوع از خشونت‌ها محافظت کرد.

**بند ۱۹.** وجود فضاهای امن برای افراد نان‌باینری و فضاهای تفکیک شده بر اساس جنسیت

به رسمیت شناختن جنسیت و هویت جنسیتی افراد نان‌باینری در گرو در نظر گرفتن آن‌ها در فضاها و محیط‌هایی است که براساس جنسیت تفکیک شده‌اند، علاوه بر این بخش مهمی از امنیت افراد نان‌باینری در گرو وجود فضاهای امن مختص به خودشان (مثل توالت‌های عمومی) است.

**بند ۲۰.** ایجاد امکان بهره‌مندی برابر از فضاهای مختص به زنان برای تمام زنان ترنس

هرگونه محروم سازی زنان ترنس از فضاهای مختص زنان مصداق بارز تبعیض بر بخشی از زنان مبتنی بر ترنس‌میسازنی و تکرار قوانین مردسالارانه است که با القای دید ذات‌گرایانه نسبت به جنسیت، موجب طبیعی سازی مردسالاری می‌شود. هر زن ترنس باید به همان

اندازه که هر زن سپس از فضاها و محیط‌های زنانه سهم دارد، سهم داشته باشد. به علاوه امنیت آن‌ها در این فضاها (مبتنی بر بند هجدهم) تامین شود.

**بند ۲۱.** ایجاد امکان بهره‌مندی برابر از فضاهای مختص به مردان برای تمام مردان ترنس

مردان ترنس مثل سایر مردان حق بهره‌مندی از فضاهای مختص به مردان را دارند، ضمن آنکه امنیت آن‌ها در این فضاها (مبتنی بر بند هجدهم) باید تامین شود.

**بند ۲۲.** قانون‌گذاری بر پایه‌ی سکولاریسم و عدم تبعیض بر پایه‌ی مذهب علیه افراد

مذهب پدیده‌ای متاخر و متأثر از مردسالاری است و جدایی آن از نهادهای سیاسی و قانون‌گذاری گامی الزامی و مهم برای تحقق برابری بین اقلیت‌های مختلف است. به ویژه که دیانت در طول تاریخ همواره یکی از عوامل اصلی سرکوب جامعه‌ی LGBTQ+ بوده است. بنابراین قانون‌گذاری و تصمیمات سیاسی باید کاملاً جدا از مذهب و دیانت باشد.

یکی از نتایج حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی تبعیض‌های گسترده علیه پیرامون ادیان و مذاهب دیگری به جز تشیع اثنی عشری بوده است. شدیدترین و گسترده‌ترین تبعیض‌های نظام‌مند علیه بهائیان اعمال شده است. نوکیشان مذهبی، افراد بی‌دین و شیطان پرستان، با پیگردهای قضایی و احکام سنگین و غیرانسانی مواجه شده‌اند و سایر اقلیت‌های دینی و مذهبی (پارسان‌ها، کلیمی‌ها، مسیحی‌ها، زرتشتی‌ها، مانوی‌ها، ایزدی‌ها، اهل تسنن و دراویش گنابادی) با گسترده‌ای از تبعیض‌های نظام‌مند مواجه بوده‌اند؛ تمامی این موارد موجب تبعیض‌های مضاعف علیه اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ می‌شود. لذا در حاکمیتی سکولار افراد باید حق آزادی کامل در اعتقادات دینی و مذهبی (به عنوان امری شخصی) داشته و هیچ تبعیضی بر مبنای اعتقادات نباید علیه هیچ فردی اعمال شود.

**بند ۲۳.** لغو سربازی اجباری برای عموم از جمله زنان ترنس، افراد نابینا، افراد گی و در مجموع آکیلین و AC/ARO

سربازی اجباری ریشه در نظامی‌گری رژیم جمهوری اسلامی دارد و به همین دلیل باعث می‌شود افراد دو سال از عمر خود را در امکان نظامی گذرانده و تحت خشونت‌های ناشی از نظامی‌گری و تبعیض از جانب افراد فرادست نظامی قرار بگیرند. این خشونت به شکل تشدید یافته و تبعیض‌ها به صورت مضاعف علیه افراد گی و در مجموع آکیلین، زنان ترنس و افراد ترنس \*فم و افراد نابینا در محیط‌هایی که از سوی فرادستان و مبتنی بر نظامی‌گری (که در ساز و کارهای مردسالارانه ریشه دارد) Ace / Aro همچنین افراد تقویت شده، وجود دارد. بسیاری از این افراد از مراحل ترنس مدیکالیستی، انی‌فوبیک و هموفوبیک پزشکی قانونی عبور نمی‌کنند و مشمول معافیت نمی‌شوند. به علاوه بسیاری از این افراد به دلیل موقعیت و انگ انگاری‌های اجتماعی امکان دریافت معافیت را ندارند به ویژه که خود این نوع از معافیت‌ها با بیماری انگاری افراد دامن به این انگ انگاری‌های اجتماعی می‌زند. سربازی اجباری شکلی از تبعیض و خشونت است که علیه اعضای این جامعه به شکل تشدید یافته و مضاعف موجود است.

**بند ۲۴.** به رسمیت شناختن حق و ایجاد امکان حق خروج یا Right to exit برای کارگرهای جنسی.

کارکنان بسیاری از مشاغل به دلیل موارد جانبی ناچار به انتخاب شغل خود شده‌اند و این حق مختص به کارگران جنسی نیست، اما دو شاخصه‌ی وجود خشونتی تشدید یافته بر شالوده‌ی میسازنی / ترنس‌میسازنی و تبعیض طبقاتی باعث می‌شود که کارگران جنسی کمتر از آن برخوردار باشند. بنابراین باید این حق به صورت قانونی وجود داشته و در جهت امکان گشایی برای آن، پیش از هر چیزی باید دلالی جنسی غیرقانونی شمرده شده و جرم انگاری شود و پس از آن با تامین حقوق مربوط به بهداشت، آموزش و اشتغال امکان برآورده شدن این حق به صورت عملی برای کارگران جنسی فراهم شود.

**بند ۲۵.** به رسمیت شناخته شدن شغل کارگری جنسی و بهره‌مندی کارگرهای جنسی از حق تشکیل اتحادیه و دخالت مستقیم و موثر در تعیین قوانین کاری مرتبط با خود

به رسمیت شناخته شدن این شغل باید در گروی آزادی و متکی بر عاملیت خود کارگرهای جنسی باشد و بستر مهیا شدن این عاملیت جرم انگاری و غیرقانونی شمردن دلالی جنسی و آزاد و مستقل سازی کارگران جنسی از طریق ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارگری که ناظر بر قوانین حول حقوق خودشان باشند، امکان پذیر است.

## بند ۲۶. حق انتخاب آزادانه‌ی شغل کارگری جنسی

هر فردی (چه شهروندان، چه مهاجران و چه پناهندگان و پناهجویان) باید بتواند بدون سدهای حکومتی کارگری جنسی را به عنوان شغل خود انتخاب کند و از خدمات مرتبط با شغل خود بهره‌مند باشد.

بند ۲۷. قوانین حفاظتی از کارگران جنسی و به ویژه کارگران جنسی جامعه‌ی LGBTQ+، در برابر خشونت در مراکز درمانی، محل کار و سطوح متعدد جامعه

خشونت موجود علیه کارگرهای جنسی وجوه مختلفی در سطوح جامعه و مراکز متعدد دارد. بنا بر آمار منتشر شده در سال ۲۰۲۱ حول افراد ترنس\* و نان‌باینری به قتل رسیده، در حدود پنجاه و هشت درصد از مقتولین از بین کارگران جنسی بودند. بنابراین وجود قوانینی که از کارگران جنسی در برابر خشونت محافظت کند الزامی است.

بند ۲۸. حق تشکل اتحادیه، انجمن، سازمان‌ها و نهادهای مستقل مرتبط با جامعه LGBTQ+

تضمین لازم برای تأمین حقوق افراد، پذیرش عاملیت فردی و جمعی آنها است. حق تشکل نهادهای مستقل مرتبط با جامعه LGBTQ+ و به رسمیت شناختن نقش موثرشان در قانون‌گذاری و اجرای قوانین حول مسائل خود جامعه‌ی LGBTQ+ از جمله مواردی است که باید در جهت پذیرش عاملیت فردی و جمعی و در نهایت تضمین حقوق افراد انجام شود.

بند ۲۹. حق تشکل خیریه‌ها و مراکز مراقبت، بازپروری و حمایت از افراد جامعه‌ی LGBTQ+

اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ به دلیل خشونت‌های خانگی و تجربه‌ی خشونت و تبعیض در سطوح دیگر جامعه، در معرض آسیب‌های بیشتری هستند. تشکل خیریه‌ها و مراکز مراقبت و بازپروری ویژه‌ی این افراد راهی موثر و الزامی برای ترمیم و جبران آسیب‌های رسیده به این افراد است.

بند ۳۰. رفع هرگونه تبعیض نژادی / اتنیکی که موجب تبعیض مضاعف علیه اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ افغانستانی، عرب، گُرد، تُرک، ترکمن، بلوچ، لُر، گیلک، مازنی، تالش، تات و... می‌شود.

گزارش‌های سالانه‌ی نهادهای حقوق بشری، در کنار محرومیت‌ها و محدودیت‌هایی فرهنگی به ویژه حول زبان مادری و شاخص‌های توسعه‌ی انسانی و اقتصادی به تفکیک استان‌ها و همچنین محرومیت‌های ویژه علیه اتباع افغانستانی و خارجی نشان از وجود تبعیض‌های اتنیکی و نژادی تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است. این مسئله باعث تبعیض مضاعف علیه اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ شده و به محرومیت بیشتر آنها دامن می‌زند. از این رو قوانین مصوب و اجرای آنها باید تضمین‌کننده‌ی برابری عموم مردم و رای ملیت، اتنیک و نژاد آنها باشد.

بند ۳۱. حق دسترسی برابر به پایان خودخواسته‌ی بارداری برای عموم، از جمله مردان ترنس و افراد نان‌باینری

حق پایان خودخواسته‌ی بارداری صرفاً برای زنان سپس‌جندر و استریت نیست و شامل عموم افرادی می‌شود که امکان بارداری دارند. به ویژه که افراد لزبین و سافیک، افراد Ace / Aro و افراد ترنس\* مسک و مردان ترنس در خطر تجاوزهای اصلاحی و بارداری‌های ناخواسته هستند. حق پایان خودخواسته‌ی بارداری زیر مجموعه‌ی حق استقلال بدن برای عموم زنان، مردان ترنس و افراد ترنس\* مسک و نان‌باینری بوده و ملزم به رعایت شدن است.

بند ۳۲. قوانینی برای حفاظت و رفع تبعیض علیه افراد جامعه‌ی LGBTQ+ در محیط کاری

اغلب در محیط‌های کاری فضای گسترده‌ای برای اعمال تبعیض و خشونت از جانب افراد فرادست فراهم می‌شود و این امکان برای افراد جامعه‌ی LGBTQ+ بیشتر و میزان تبعیض‌ها و خشونت‌های اعمال شده گسترده‌تر است و برای همین وجود قوانینی برای پیشگیری از خشونت و تبعیض از جانب همکاران، کارفرمایان و مشتریان علیه شاغلین این جامعه الزامی است.

بند ۳۳. ایجاد امکان حمایتی و محافظتی برای بازگشت پناهیجویان جامعه‌ی LGBTQ+ ایران و افغانستان به ایران

بخش قابل توجهی از پناهیجویان ایرانی و افغانستانی ساکن در کشورهای ترکیه، ارمنستان، اقلیم کردستان عراق و یونان را پناهیجویانی از جامعه‌ی LGBTQ+ تشکیل می‌دهند که بابت سلسله تبعیض‌ها و خشونت‌های نظام‌مند و حتی فقدان امنیت جانی ناچار به ترک شهر و دیار خود شده‌اند. از ملزومات برقراری عدالت ایجاد امکان و مهیا کردن فرصت برای بازگشت این افراد است.

بند ۳۴. ایجاد امکان دسترسی به فضاهای عمومی برای افراد دارای معلولیت از جمله اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ دارای معلولیت

عدم مناسب سازی فضاها و خدمات عمومی مبتنی بر در نظر نگرفتن افراد دارای معلولیت، تبعیض علیه این افراد است. این مسئله برای اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ دارای معلولیت که بابت انگ انگاری اجتماعی نیز در خطر محرومیت هستند منجر به محرومیت گسترده‌تری شده و باعث تبعیض مضاعف می‌شود.

بند ۳۵. رفع هرگونه تبعیض و خشونت علیه افراد دارای معلولیت که موجب تبعیض مضاعف علیه افراد دارای معلولیت جامعه‌ی LGBTQ+ می‌شود

حالت عمومی‌تر بند سی و چهارم، این بند است تا با اتکار بر خواست و نظر خود افراد دارای معلولیت، تبعیض بر روی آن‌ها و تبعیض مضاعف بر روی افراد جامعه‌ی LGBTQ+ دارای معلولیت برداشته شود.

بند ۳۶. عملکرد و گفتمان دارای شمولیت نهادهای فمینیستی برای زنان ترنس، مردان ترنس، افراد نان‌باینری و افراد سافیک، با تکیه بر حضور مستقیم و احترام به عاملیت خود این افراد در نهادها

اینترسکشنالیتی باید فراتر از یک عبارت و شعار، در گفتمان و عملکرد جریان‌های فمینیستی نمود داشته باشد و شمولیت زنان ترنس، مردان ترنس، افراد نان‌باینری و افراد سافیک متکی بر حضور و عاملیت خود آن‌ها در جریان‌های فمینیستی باشد. جریان‌های فمینیستی ترف (Terf) و سوورف (Swurf) تفکراتی هستند که علاوه بر ترنس‌فوب / ترنس‌میسازن بودن، بر خود تفکر و جریان فمینیستی نیز اثرات مخربی می‌گذارند.

باید توجه داشت که با توجه به زیست ما در جهانی سیس هنجار محور و در نتیجه سیس-سکسیست، امکان ترنس‌فوبیا / ترنس‌میسازنی درونی شده در افراد موجود است و به همین سبب باید عملکرد و گفتمان اینترسکشنال متکی بر عاملیت خود افراد ترنس\* و نان‌باینری و ایجاد تریبون و فضا برای آن‌ها باشد نه صرفاً استفاده از رنج آن‌ها برای تولید سرمایه‌ی شخصی.

بند ۳۷. حق حضور و مشارکت برابر در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی برای اعضای جامعه‌ی LGBTQ+

بخش اعظم مطالبات در گرو حق مشارکت اجتماعی و سیاسی برابر خود اعضای جامعه‌ی LGBTQ+ در جهت اتکا به عملکرد و عاملیت خود افراد است. بنابراین وجود فضا و شرایطی برای حضور و مشارکت برابر و بدون تبعیض برای افراد ضروری است.

بند ۳۸. آزادی بیان و ممانعت از سانسور در نشر و هنر برای عموم از جمله اعضای جامعه‌ی LGBTQ+

آزادی بیان در انتشارات و هنر، به دور از سانسور باید برای عموم آثار و به ویژه آثار اعضای این جامعه که بابت ضدیت نظام‌مند با آن از سوی اقدار فرادست و انگ انگاری‌های اجتماعی با احتمال سانسور بیشتری مواجه است، فراهم باشد.

بند ۳۹. حق داشتن نشریات و رسانه‌های مستقل مرتبط با جامعه‌ی LGBTQ+ به دور از هرگونه سانسور

تضمین آزادی در انتشارات و هنر در گرو حق داشتن نشریات مستقل و مرتبط با جامعه‌ی LGBTQ+ است.



بند ۴۰. قوانینی حفاظتی برای افراد دارای HIV علیه خشونت و تبعیض در مراکز خدمات درمان و بهداشت

انگ انگاری اجتماعی علیه افراد دارای HIV به خشونت و تبعیض علیه آن‌ها در مراکز خدمات درمان و بهداشت و در نتیجه محرومیت آن‌ها از خدمات درمانی منجر می‌شود. حفاظت از افراد HIV در برابر تبعیض‌های ناشی از این انگ انگاری برای رعایت عدالت و برابری در دسترسی به خدمات درمانی همگانی الزامی است.

بند ۴۱. قوانینی حفاظتی برای افراد دارای HIV علیه خشونت و تبعیض در محیط‌های کاری

همچنین در محیط‌های کاری به سبب انگ انگاری‌های اجتماعی تبعیض‌های گسترده‌ای علیه افراد دارای HIV اعمال می‌شود که مقابله با آن‌ها و حفاظت از افراد در برابر آن‌ها از ملزومات حقوق بشری است.

بند ۴۲. قوانینی حفاظتی برای افراد دارای HIV علیه خشونت و تبعیض در سطوح متعدد جامعه

بند ۴۳. آموزش برای پیشگیری از بازتولید انگ انگاری اجتماعی علیه HIV و STD

هدف نهایی مبنی بر ریشه کن کردن انگ انگاری اجتماعی با آموزش و آگاهی رسانی حول آن محقق می‌شود. از این رو، آموزش همگانی برای پیشگیری از انگ انگاری اجتماعی به زبان مادری افراد، زبان اشارانی ک خط بریل الزامی است.

بند ۴۴. حق دسترسی برابر به لوازم پیشگیری از بارداری و بهداشت در رابطه‌ی جنسی برای عموم و به ویژه برای کارگران جنسی

بند ۴۵. حق فعالیت و کنشگری متمرکز بر حقوق جامعه‌ی LGBTQ+ به شکل فردی و مستقل

ضمن حق تشکیل نهادهای مستقل، باید حق کنشگری مستقل و منفرد، بدون سدهای حکومتی برای عموم به رسمیت شناخته شود.

بند ۴۶. حق دریافت مرخصی پس از زایمان، برای افرادی که زایمان را تجربه می‌کنند.

امضا کنندگان:

آرمیتا آریا

آرتمیس اکبری

آراز اؤزگور - Araz Özgür

آرمین ت.

آرزو دلداری

آرین صلح جو

آرمان گ.

الهام ثابتیان

البرز رزم خواه

امیرا ذوالقدری

امیرسام سابق نام شیرازی

ارغوان شمس آرا

بهار ایمانلو

باهار روشن

پیشکوزندی

پری فرزانه

تایماز گلستانی

ثریا دال

دانیال شهنش

دریا صفا

دلی گروپی

درسا هزاوه

رها غیائی

رها نامعیری

زینب پیغمبرزاده

ژاکو نیک

سارا الف.

سمیرا الهام

سازمان ایران پراید

سازمان ال جی بی تی افغان

ساره برنا

سما پژمان پور

سپهر دانا

سارا راد

سالک زاخویی

سینا ش.  
سامیارک.  
سیمین میم  
سینا مختاری  
سبحان نوفر  
شیوا الهی  
شکیلا بهانی  
شایا گلدوست  
شهاب گنبد  
علی احمدنیا  
علی زارع  
علی عارفی  
فرشاد خورشید سواران  
فرهاد غفاری  
فرح مهاجر  
کاملیا نیک فر  
کاردویگانه  
گیو فرحبخش  
محمد آسمانی  
مجتبی برازنده  
مونا پناهیان  
ملیکا ت.  
مریم دانا  
ملیکا دانش

مهرداد راد

میدار.ف.

ملودی شاهی

ماندانا ل.

مجموعه فعالان کوپیر فمینیست کوردستان (KQF)

نیش آبان

نیما ب.

نیاک پزشکان

نیوشا طرقي

نوید گ.

نیما یاجم

نیما نیا

یاور برادران خسروشاهی

## کلام آخر

تمام هفتاد فرد امضاکننده به نحوی در نوشتار مطالبات و ویرایش محتوایی مانیفست نقش داشته‌اند و به همین دلیل این مانیفست حاصل همکاری جمعی در جامعه‌ی LGBTQ+ ایران و افغانستان می‌باشد. امید آنکه آزادی برای عموم افراد ورای جنسیت، هویت جنسی و جنسیتی، ویژگی‌های فیزیکی و ذهنی، دین و مذهب، نژاد، اتنیک، ملیت و شغل محقق شود.

گروه ویراستارهای صوری و زبانی: ژاکو نیک، نیش آبان، آرمیتا آریا، نیما نیا، سارا الف.  
صفحه آرا: رها غیاثی

